



فاطمه، درخشنده ترین چهره زن در تاریخ

زن در جامعه جاهلی

بطور کلی در جوامعی که ارزشهای انسانی تا پائین ترین حد خویش به انحطاط می گرایند، قابلیت انسان برای رسیدن به مقام ولای بشری بصورت مسأله ای امکان پذیر تلقی می گردد، و این چنین است که هرگاه در میان اقوام گذشته، که پیامبری مبعوث می شد، با ناباوری تمام می گفتند: «وما آتت الا نثرٌ مثلاً وان نُظفَتْ لَین الکاذبین» دروغزبانی مانند ما نیستی و ترا از دروغگویان می پنداریم. و یا با شگفت و تعجب می گفتند: «انثرٌ یهدوننا». آیا ممکن است بشری برای هدایت ما اقدام نماید؟ و از اینرو قرآن کریم روی جنبه بشری بودن پیامبر، در آیات مختلف تکیه نموده و فرموده: «قل انما انا بشر مثکم یوحی الی». بگوای پیامبر، من بشری همانند شمایم که به من وحی منی شود. و نیز فرموده «هو الذی بعث فی الاممین رسولاً من انفسهم». او همان است که در میان مردم امی و درس نخوانده، پیامبری از جنس خودشان مبعوث ساخت. و از این بالا تر که مردم دوران جاهلیت خود را مستقیماً لاین تقرب به درگاه الهی نمی پنداشتند و حتی جمادات را از خویش برتر می شمردند و لذا مجسمه هایی را که بعنوان پُت از آن جمادات می ساختند، واسطه و وسیله تقرب به خداوند قرار می دادند و می گفتند: «ما نعبدهم الا لیُقرئونا اِی الله زلفی». به عبادت و پرستش آنها (بتها) نمی پردازیم مگر به خاطر اینکه ما را به خداوند نزدیک سازند. و دلیل این کوتاه نگری به انسان این بود که تنها وضعیت موجود خویش را، مقیاس ارزیابی انسان قرار می دادند و لذا او را فاقد هرگونه صلاحیتی می پنداشتند ولی بعثت پیامبرانی از جنس آنان، بهترین دلیل حسی و قانع کننده ای بود که قابلیت بشر را برای رسیدن به بالا ترین مقام انسانی که نبوت است، بسزای آنها به اثبات می رساند.



محیط تربیتی فاطمه (ع)

یکی از عواملی که در رشد و شکوفایی استعدادها در دوره خردسالی انسان مؤثر است، ایجاد محیط تربیتی سالم و مناسب برای فرزندان است. یک کودک هر چند هم که از استعداد سرشار و شگوفی برخوردار باشد، هنگامی که در محیط تربیتی مناسب و سالم قرار نگیرد، نه تنها استعدادهای ذاتی او شکوفا نمی گردد، بلکه چه بسا در جهت انحرافی به کار گرفته شود؛ و لذا اسلام در انتخاب همسر به زن و مرد، توصیه های لازم را فرموده است، تا فرزندان از مریضان شایسته ای برخوردار باشند. اخانه ای که فاطمه زهرا سلام الله علیها در آن دوره خردسالی خود را پشت سر گذاشت، دارای شایسته ترین پدران و مادران عالم بود؛ مادر او خدیجه یکی از چهار بانوی نمونه عالم بود و نخستین زنی بود که به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورد و تمام مال و ثروت فراوان خویش را در خدمت اهداف مقدس همسرش رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار داد، و یار همیشه همراه آن حضرت در روزهای تنهایی و دشوار آغاز بعثت بود، و بخاطر همین ایمان و قداکاری او بود که پیامبر پس از وفات او پیوسته تا پایان عمر خویش با او را از یاد نبرد و از آن بانوی نمونه به نیکی یاد می نمود. پسر فاطمه، رسول گرامی اسلام و کامل ترین انسانی است که جهان بشریت به خود دیده است، و فاطمه زهرا سلام الله علیها تحت تربیت جنسی پدر و مادری نمونه و مریضانی بزرگ، دوره خردسالی خویش را پشت سر گذاشت و در نتیجه

در جوامعی که مردان به چنین انحطاطی دچار بودند، زنان که قشر محروم و تحت سلطه اجتماع به حساب می آمدند، از موفقیت بسیار بدتری برخوردار بودند، تا آنجا که مردان در عصر جاهلیت حتی آنان را شایسته زندگی ندانسته و به زنده به گور ساختن دختران می پرداختند و شگفت آورتر اینکه این عمل وحشیانه را از انحرافات خویش شمرده و می گفتند: «فقل البنات من المکرمات». کشتار دختران از کارهای کریمانه است!! بدون تردید تعبیر فحشت چنین مردمی که در طول قرونهای زن را فاقد هرگونه صلاحیتی می دانستند، مسأله ای است که تنها بوسیله تبلیغات و با کاد فرهنگی امکان پذیر باشد؛ چرا که انسان بواسطه اللش به محسوسات، به آنچه که برایش قابل مشاهده است، اطمینان بیشتری می یابد و از این رو ابراهیم با آن مقام و لایحه شرف که خداوند می خواهد تکریمت معاد و بازگشت مردگان را بصورت محسوس به او ارائه دهد و دلیل آن را «لیطمئن قلبی». تا اطمینان خاطر یابم، معرفی می نماید و خداوند نیز مردم را برای اعتقاد به توحید به مطالعه و نظاره در آفریده های عالم دعوت می کند، و لذا همانگونه که خداوند مقام ولای جبر را در وجود پیامبرش به نمایش گذاشت، چنین خواست تا از تقرب زنان، زنی را بیافریند تا شخصیت و جایگاه واقعی زن را در تاریخ نشان دهد، و به این منظور فاطمه را به پیامبر عنایت فرمود و او را «کونو» یعنی خیر کثیر نامید، و بی شک وجود فاطمه که سبب احیا و ارائه ارزشهای زن به جامعه بشری بود، یکی از ابعاد خیر بودن خلقت او به شمار می رود. و در حقیقت تولد فاطمه علیها سلام را باید میلاد جدید زن در

بقیه از فاطمه (ع) درخشنده ترین ...

استعداد سرشار خدادادی و محیط سالم تربیتی و لطف خاص خداوند به او و شایسته آن پاک رسول الله «ص» به مقام والایی درخشنده ترین چهره زن در تاریخ انصابت رسیده و بعنوان یکی از بهترین چهار زن الگو و نمونه جهان شناخته شد و به جانی رسید که پیامبر اسلام «ص» در باره اش فرمود: «فداها ابوها» پدرش فدایش شود.

ساده زیستی در زندگی حضرت زهرا «ع»

ساده زیستی یکی از چهره های بارز و مشخص زندگی حضرت زهرا سلام الله علیها است، و آن حضرت این مسأله را از مرتبی لایق و شایسته خویش رسول اکرم صلی الله علیه و آله، در محیط خانواده گلی اش آموخت، بطوری که امیرمؤمنان علیه السلام در باره این خصیصه عالی پیامبر می فرماید: «وزویت عنه زخارفها مع عظیم زلفته.. خرج من الدنيا خمیساً وورد الآخرة ملیماً، لم یضع حجر علی حجر حتی مضی لسیله» با وجود عظمت مقام و موقعیتش زیست های دنیا از او بدور ماند، یا شکم گرسنه از جهان رفت، و با سلامت به آخرت وارد گشت، سنگی بر روی سنگی ننهاد (و خانه ای برای خویش نساخت) تا آن هنگام که راه زندگیش

را به پایان برد. و فاطمه (ع) این حصلت را از پدر بخوبی فرا گرفت آن چنان که حتی سلمان - آن صحابی زاهد و متقی - را شگفت زده ساخت، و در این رابطه حضرت فاطمه «ع» به پدر اظهار می دارد: «یا رسول الله، ان سلمان تعجب من لباسی فوالله یبکک بالحق مالی ولعلی منذ خمس سنین الالمک کتشی یعلف علیها بالنهار بعیرنا، فاذا کان باللیل انفرشاهوا و ان مرفقتنا لمن ادم حنوها لیف، فقال التی صلی الله علیه و آله: یا سلمان ان ابنتی فاطمه لعی الخیل السوابق».

- ای رسول خدا! سلمان از کهنگی و ماده بودن لباسم تعجب می نماید، سوگند به آنکه توا به رسالت برانگیخته، مدت پنج سال است (که از ازواج ما می گذرد) من و علی را جز پوست گوسفندی نیست که روزها شترمان بر روی آن خوراک می خورد و شبها آن را برای خواب می گسترانیم و ببالش ما از پوست آنکند از لیس خرم است، پیامبر روی به سلمان نموده و فرمود: سلمان! دختر من فاطمه از پیش از آن کاروان زهد و تقوا است.

عبادت حضرت زهرا «ع»

در آن عصر که نیازمندیهای زندگی بر حسب تقسیم بندی کار و پیرامان تخصصها بوجود نیامده بود، یک خانواده به اجبار خود مسئول تأمین تمام نیازمندیهای زندگی بود. به عنوان مثال برای تهیه نان، آسیاب کردن گندم برای تهیه آرد و خمیر ساختن و پختن آن بوسیله بانوان خانه دار در خانه ها انجام می گرفت، و در کنار آن می بایست به بقیه کارهای روزمره زندگی از سر پرستی فرزند و نظافت خانه و تهیه آب و پختن غذا نیز پرداختند. و فاطمه زهرا سلام الله علیها با این کارهای طاقت فرسا بطور روزانه روبرو بود چنانچه امیرمؤمنان علیه السلام در این زمینه می فرماید: آنقدر با مشک، آب به خانه آورد که اثر آن بر سینه اش ظاهر گشت و از آسیاب کردن گندم، دستپاشی بینه بست و بواسطه فروختن آتش جامه اش دود آلود و نیره شد، و با وجود اینهمه کارهای دشوار روزانه، حضرت زهرا در عبادت پروردگار نیز آن چنان کوشا بود که ازین در درگاه الهی به عبادت می ایستاد پاهایش ورم می نمود و شبهای جمعه تمام شب را به عبادت می گذراند، بطوری که امام مجتبی علیه السلام می فرماید: «رأیت اقی فاطمه فافت فی حجرها لیلۃ جمعتها فلم تزل واکعة ساجدة حتی اضحی عود الصبح» مادرم فاطمه را شب جمعه در محراب عبادتش دیدم که پیوسته در حال رکوع و سجود بود تا آنکه سینه صبح دمید، و این چنین است که زندگی حضرت فاطمه در تمام ابعاد آن باید الهام بخش و الگویی هر زن مسلمان باشد.

در آن عصر که نیازمندیهای زندگی بر حسب تقسیم بندی کار و پیرامان تخصصها بوجود نیامده بود، یک خانواده به اجبار خود مسئول تأمین تمام نیازمندیهای زندگی بود. به عنوان مثال برای تهیه نان، آسیاب کردن گندم برای تهیه آرد و خمیر ساختن و پختن آن بوسیله بانوان خانه دار در خانه ها انجام می گرفت، و در کنار آن می بایست به بقیه کارهای روزمره زندگی از سر پرستی فرزند و نظافت خانه و تهیه آب و پختن غذا نیز پرداختند. و فاطمه زهرا سلام الله علیها با این کارهای طاقت فرسا بطور روزانه روبرو بود چنانچه امیرمؤمنان علیه السلام در این زمینه می فرماید: آنقدر با مشک، آب به خانه آورد که اثر آن بر سینه اش ظاهر گشت و از آسیاب کردن گندم، دستپاشی بینه بست و بواسطه فروختن آتش جامه اش دود آلود و نیره شد، و با وجود اینهمه کارهای دشوار روزانه، حضرت زهرا در عبادت پروردگار نیز آن چنان کوشا بود که ازین در درگاه الهی به عبادت می ایستاد پاهایش ورم می نمود و شبهای جمعه تمام شب را به عبادت می گذراند، بطوری که امام مجتبی علیه السلام می فرماید: «رأیت اقی فاطمه فافت فی حجرها لیلۃ جمعتها فلم تزل واکعة ساجدة حتی اضحی عود الصبح» مادرم فاطمه را شب جمعه در محراب عبادتش دیدم که پیوسته در حال رکوع و سجود بود تا آنکه سینه صبح دمید، و این چنین است که زندگی حضرت فاطمه در تمام ابعاد آن باید الهام بخش و الگویی هر زن مسلمان باشد.

بنا بر اسلام رحمت این بزرگ بانوی جهان اسلام راه تمام پیوندهای زانسان تسلیم گشته و توفیق همه بانوان مسلمان را در الگو گرفتن از آن بانوی نمونه از خداوند تعالی خواستار است.

بقیه از عذاب طلبی کفار

در عین حال که ظلم هم کرده است، راه توبه و بازگشت هرگز بسته و مسدود نیست و راه مغفرت و آمرزش باز است.

البته برخی از گناهان را بدون توبه ممکن است خداوند بیامرزد چون وعده داده است ولی شرک را هرگز بدون توبه نمی آمرزد و در این آیات که بحث از کفار است، چون کفار گرفتار شرک اند لذا هرگز بدون توبه آنها را نمی بخشد. در سوره نساء این معنی را تبیین نموده و فرموده است: «ان الله لا یغفران بشرک به ویغفر ما دون ذلک لمن یشاء»^{۱۲} - همانا خداوند شرک را نمی آورد و هر چه ما دون شرک است برای هر کس که بخواهد می آمرزد.

البته واضح است که اگر کسی قبلاً مشرک هم بوده باشد، و توبه کند، خداوند توبه او را قبول می کند و او را مورد عفو و آمرزش قرار می دهد ولی بحث درباره گناهایی است که بدون توبه نیز ممکن است مورد عفو قرار گیرد. چه کسی مشمول این آیه می شود، غیر از خدا کسی نمی داند و خود در آیه فرموده است که «ویغفر ما دون ذلک لمن یشاء» - هر کس را که خود بخواهد، مورد عفو و آمرزش قرار می دهد، شاید اولاد صالح اثر داشته باشند، شاید پدران و مادران برای انسان طلب عفو کنند و آنها مؤثر در آمرزش باشند، شاید کرامتهای دیگری شامل حالش شود و خلاصه گناهکاری که مؤمن و مسلمان است، ممکن است به

نحوه مشمول رحمت خاص حق قرار بگیرد ولی در باره مشرکان چنین چیزی هرگز امکان پذیر نیست چون خداوند آن را به نحو قاطع رد کرده و فرموده است که «لا یغفران بشرک به».

و اینجا است که باید مؤمن همیشه بین خوف و رجا باشد چرا که اگر مشمول رحمت حق نبود، چه کاری تواند در آن روز برای نجات خویش انجام دهد. و همیشه اصل بر این است که معصیت کار را کیفری تلخ می چشاند «انا من المجرمین منتقمون»^{۱۱} - همانا ما از مجرمان، انتقام خواهیم گرفت. ولی روزی امیدی هم از آیه مغفرت. که شرح آن گذشت. بر ما می باید که همیشه در حال خوف و رجا باشیم.

در هر حال در آیه نفرموده است که خداوند دارای مغفرت است برای مؤمنین بلکه می فرماید «للناس» یعنی خداوند دارای مغفرت است برای تمام مردم در حال ظلم آنان، برای اینکه راه برگشت و مغفرت باز باشد، منتهی باید شمشکار گرفتار آلودگی به سراغ مغفرت الهی بیاید و درخواست رحمت و عفو کند و گرچه عذابی دردناک در انتظارش خواهد بود.

ادامه دارد

- ۱- سوره رعد، آیه ۵. ۲- سوره ق، آیه ۲۲. ۳- سوره کهل، آیه ۱۰۱. ۴- سوره رعد، آیه ۶.
- ۵- سوره آل عمران، آیه ۱۳۳. ۶- سوره مائده، آیه ۴۸. ۷- سوره حدید، آیه ۲۱.
- ۸- سوره هود، آیه ۳۴. ۹- سوره انفال، آیه ۳۳. ۱۰- نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱ ص ۱۶.
- ۱۱- سوره اسراء، آیه ۱۱-۱۴. ۱۲- سوره رعد، آیه ۶-۱۳. ۱۳- سوره نساء، آیه ۴۸. ۱۴- سوره آیه ۲۲.